

سرنگونی اسد در سوریه! دست‌ها از روژاوا کوتاه!

برگردان از آرش گنجی

1. در حلب، دمشق و بسیاری از شهرهای جهان، سوری‌ها سقوط اسد، دیکتاتور فاشیست منفور را با شوقی بزرگ پای می‌کوبند. بشار اسد و پدر او، حافظ اسد، مسئول قتل صدها هزار نفر از مردم‌اند. چهارده میلیون نفر ناگزیر از گریز از رژیم وحشت اسد، از دولت اسلامی داعش، و از ارتش رژیم اردوغان فاشیست بودند.

2. سوریه برای دهه‌ها کشوری محوری در خاورمیانه در مبارزه برای تفوق بوده است. امپریالیسم ایالات متحده و پس از آن امپریالیسم بریتانیا و امپریالیسم آلمان در خط مقدم، و در آن سو، امپریالیسم روسیه و ایران قرار دارند. گذشته از این‌ها، امپریالیست‌های جدید دیگر مانند امارات متحده عربی، قطر و ترکیه نیز حضور دارند. همگی اینها بر سر کشوری با موقعیت استراتژیک در منطقه‌ای غنی از نفت و گاز، و بر سر بازسازی پرمنفعت آن می‌جنگند.

رژیم فاشیستی اسد نهایتاً تا سال ۲۰۱۵ به تمامی در هم خرد شد؛ تنها حمایت روسیه و ایران، و حمایت حزب الله که متحد نزدیک ایران است، توانست این رژیم را سرپا نگاه دارد. روسیه و ایران نیز علاوه بر رژیم اسد از بازندگان اصلی به شمار می‌آیند. روسیه در آستانه از دست دادن یک بندر در مدیترانه و یک پایگاه هوایی است. اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، همچنان نفوذ خود را گسترش می‌دهد.

3. اسرائیل امپریالیست در حال حاضر آشکارا تجاوزکارترین کشور منطقه به شمار می‌آید، و اهدافی را در سراسر سوریه بمباران کرده است؛ اسرائیل اراضی بیشتری را در بلندی‌های جولان (بلندی‌های جولان در سال ۱۹۶۷ به اشغال اسرائیل درآمد و در سال ۱۹۸۱ برخلاف حقوق بین‌المللی ضمیمه آن شد) تحت اشغال خود درآورده است. ننانیاهو، نخست‌وزیر فاشیست اسرائیل هم‌اکنون خود را حاکم کل منطقه می‌داند و اعلام کرده: "همان‌طور که وعده داده بودم، در حال تغییر چهره خاورمیانه هستم". (زوددویچه زایتونگ ۱۱ دسامبر ۲۰۲۴)

اخراج تمامی واحدهای نظامی از سوریه!

4. ابومحمد الجولانی، رهبر هیئت تحریرالشام "رهایی بخش" نیست. توانایی او در ادغام گروه‌های مختلف اپوزیسیون سوری، احتمالاً شرطی تعیین‌کننده برای سرنگونی رژیم اسد بود. بخش‌هایی از القاعده از اعضای بنیانگذار هیئت تحریرالشام بودند. آنها در سال ۲۰۱۶ از القاعده جدا شدند و تغییر نام دادند. ابومحمد الجولانی رسماً از ریشه‌های اسلامی-فاشیستی خود فاصله می‌گیرد. هنوز سمت و سوی تحولات معلوم نیست، اما او ضمن استقرار یک "تئوکراسی"، هدف برپایی یک نظم دولتی دینی-فاشیستی را

نمایندگی می‌کند! بیاید بازگشت طالبان به افغانستان را به یاد آوریم، با وعده‌هایی چون آموزش، حقوق زنان، و بازسازی کشور، که هیچ کدام محقق نشد.

5. یک جنبه مهم این تحولات، روند جدید رو به وخامت مبارزه رهایی‌بخش خلق کورد است: ترکیه در حال حاضر تانک‌های خود را به نزدیکی کوبانی، شهر شمالی سوریه، اعزام می‌کند و در آستانه حمله قرار دارد. کوبانی در سال ۲۰۱۴ با جنبش همبستگی جهانی صدها هزار نفری علیه داعش به نماد پیروزی جنبش رهایی‌بخش کورد تبدیل شده بود. ارتش ملی سوریه که مزدور ترکیه است نیز از جانب غرب در حال حمله است.

کوردها و سازمان‌های ایشان به نحوی ویژه از سوی رژیم اسد قربانی شدند و زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها را پر کردند. اما آنها مصمم‌ترین مخالفان رژیم نیز بودند! کوردها نظمی دمکراتیک و سکولار در شمال سوریه مستقر کردند و اصول اکولوژیکی و حقوق مترقی زنان را به کار بستند. آنها مکرراً تاکید می‌کردند که تنها برای کوردها مبارزه نمی‌کنند بلکه برای سوریه‌ای دمکراتیک با همزیستی کلیه گروه‌های قومی و دینی در پیکارند. خلق کورد و سازمان‌های آن باید از تمامی تضادها در میان دشمنان خود و ضعف‌های آنها بهره‌برند. مهم‌ترین متحدان آنها توده‌های سراسر جهان‌اند که بارها همبستگی خود را نشان داده‌اند. ما همچون سال ۲۰۱۴ در سراسر جهان از کوبانی دفاع خواهیم کرد.

امپریالیسم آلمان در خصومت با جنبش رهایی‌بخش کورد پیشگام است و با تامین سلاح از ترکیه حمایت می‌کند. حزب کوردی پ.ی.د در سوریه خلق کورد را نمایندگی می‌کند. آنها امروز جانبدار همزیستی دمکراتیک در منطقه هستند.

ممنوعیت علیه پ.ک.ک را لغو کنید! به حملات ترکیه به روزاوا/شمال سوریه پایان دهید!

6. سرنگونی اسد با اژیتاسیون ضد مهاجرتی انبوه در رسانه‌های آلمانی مختلف، در هماهنگی نزدیک با حزب *آلترناتیو برای آلمان* (آ.اف.د) همراه شد. اسد هنوز سوریه را ترک نکرده بود که آ.اف.د و حزب دمکرات-مسیحی (س.د.او) خواهان استرداد سوری‌ها شدند. روند رسیدگی به پناهندگی متقاضیان سوری به مدت ۶ ماه به حالت تعلیق درآمد. اگر سوریه به واقع دمکراتیک شود، مردم هم باز خواهند گشت. آنها که می‌خواهند، باید بتوانند بمانند. بخش بزرگی از سوری‌ها اینجا مشغول کارند، فرزندان‌شان اینجا متولد شده‌اند و در اینجا زندگی‌های خود را سامان داده‌اند، در حالی که در عرصه‌های مهم به عنوان کارگر، پیشه‌ور، پزشک یا پرستار، به حیات اجتماعی خدمت می‌رسانند.

نه به استرداد پناهندگان دمکرات سوری از آلمان! آری به حق پناهندگی بر مبنای ضدفاشیستی!

7. وضعیت خطرناک و پیچیده در آسیای غربی/خاورمیانه این واقعیت را به تأیید می‌رساند: "امپریالیسم به نحو قانونمند به جنگ می‌انجامد. و امروز امپریالیسم به نقطه‌ای رسیده که توازن تغییرکرده‌ی قوا را مآلاً فقط با جنگ می‌توان تغییر داد." (گابی فشتنر، روتنه فانه، ش. ۲۴/۲۰۲۴). همچنین معلوم می‌شود که خلقها در سوریه فقط زمانی رنگ صلح را خواهند دید که خود را از امپریالیسم برهانند. سوسیالیسم راستین این آلترناتیو

اجتماعی را به دست می‌دهد. هرگز یک کشور سوسیالیستی دست به یک جنگ تجاوزکارانه نزده است. اما سوسیالیسم مورد خیانت قرار گرفت و نیازمند آن است که احترامی نوین بیابد. جنبش طبقه کارگر، نیروهای مارکسیست-لنینیست و جنبش‌های مترقی مردم در سوریه پس از سقوط رژیم فاشیستی سوریه باید خود را استحکام بخشند و از نو شکل یابند. جبهه‌ی متحد ضدامپریالیستی علیه فاشیسم، جنگ و تخریب زیست محیطی می‌تواند هماهنگی برای همکاری بین‌المللی را به دست گیرد.

پیش برید جبهه‌ی متحد را!

هر تجربه جنگ، به آرزوی توده‌ها برای صلح و نظام اجتماعی سوسیالیستی که به طمع سرمایه‌دارانه سود پایان دهد بیداری می‌بخشد. امروز این آرزو گرداگرد سوریه‌ای آزاد و دمکراتیک است، سوریه‌ای رها از مرتجعان، فاشیست‌ها و هرگونه مداخله‌ی امپریالیستی.

به خیابان‌ها بیایید در همه جای جهان علیه جنگ‌های امپریالیستی!

پیش به سوی سوسیالیسم راستین!

استحکام بخشید حزب انقلابی طبقه کارگر، ام.ال.پ.د را!